

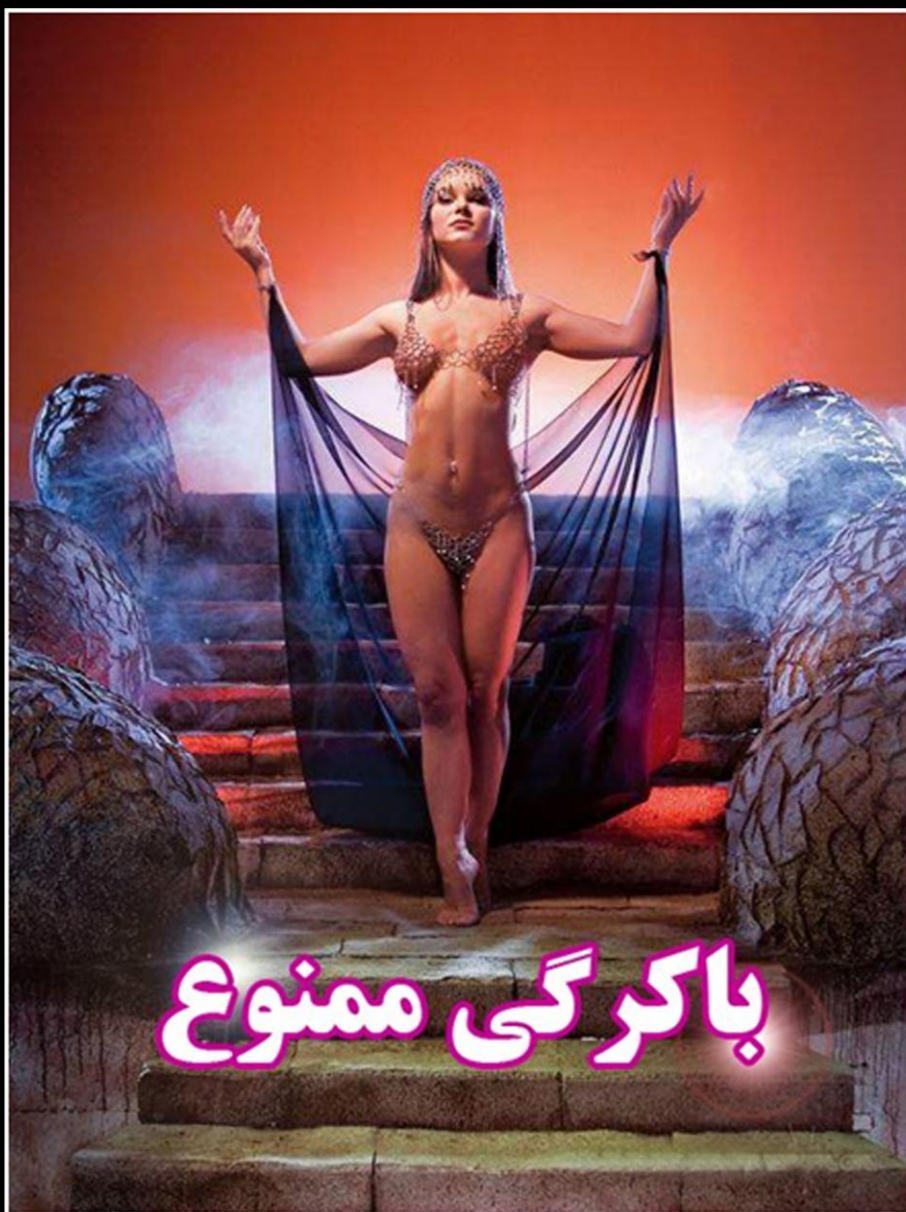
# باکرگی ممنوع

<http://bakeregi-mamnoo.blogspot.com>

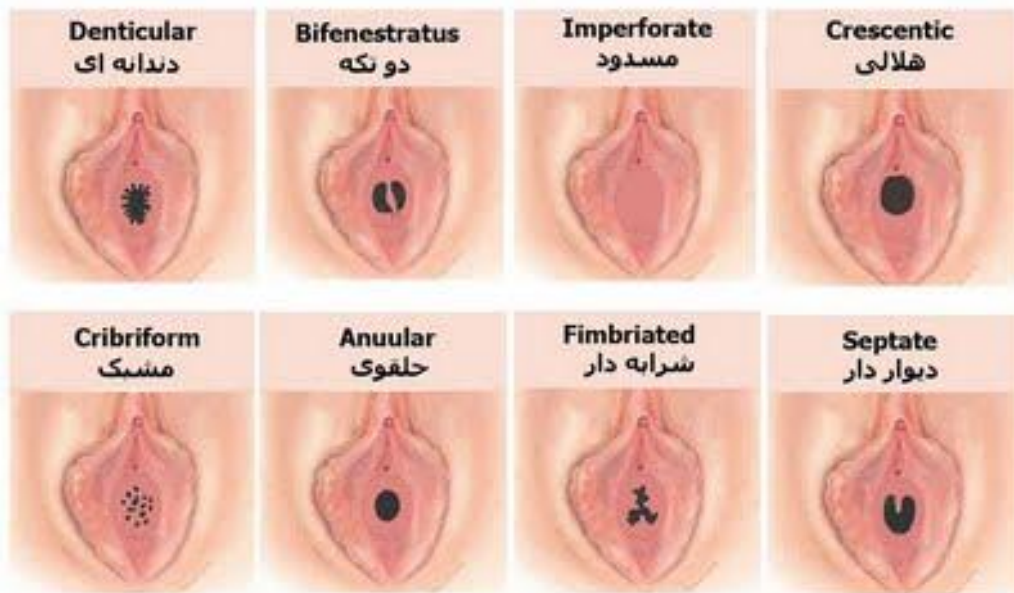
صفحه ما در فیسبوک با نام باکرگی ممنوع

هدف ما مبارزه با زن ستیزی و بازگردانی حقوق زنان است

Email: [bakeregi.mamnoo@yahoo.com](mailto:bakeregi.mamnoo@yahoo.com)



# پرده بکارت چیست



انواع پرده بکارت Hymen

## اندام جنسی خود را چقدر می شناسیم؟

بسیار مهم است که بدانید بدن‌تان به چه شکلی است و واژن یکی از مهم ترین اندام های زنان است، البته در مورد شکل یا رنگ اندام جنسی تان نگران نباشید. بعضی ها تیره اند، بعضی روشن، بعضی کوچکند، بعضی بزرگ. اما غیر عادی نیستند. در نظر داشته باشید که هیچ واژنی دقیقا شبیه آن دیگری نیست.

**پرده بکارت چیست :** پرده بکارت غشایی است که تمام یا قسمتی از دهانه واژن را می پوشاند. هایمن (Hymen) لغتی یونانی است به معنای پوست یا پرده . بافت پرده بکارت به جا مانده از روند و رشد طبیعی واژن در زنان است و کار خاصی را انجام نمی دهد، انواع رایج پرده بکارت عبارتند از:

**حلقوی :** در این نوع، پرده به صورت حلقه ای دور ورودی واژن را می پوشاند.

**حلقوی (قابل اتساع و غیر قابل اتساع)-** در این نوع، پرده بکارت به شکل حلقه ای پیرامون ورودی مهبل را پوشانده است. پرده حلقوی قابل اتساع با آمیزش جنسی پاره نمی شود.

**ارتجاعی :** پرده ای که به اندازه کافی انعطاف پذیر و قابل ارتجاع است و به هنگام ورود آلت تناسلی مرد، پاره نمی شود یا به طور جزئی پاره می شود و هیچ خونریزی ندارد.

دو سوراخی یا تیغه ای : پرده ای که یک تیغه ممتد در طول ورودی واژن دارد.

**غربالی (سوراخ سوراخ) :** این پرده به طور کامل در عرض مهبل کشیده شده اما سطح آن سوراخ سوراخ است.

در پرده دنداندار حفره وسط پرده یک حفره گرد با لبه های مژرس می باشد. در واقع تفاوت این نوع پرده با پرده حلقوی یا گرد فقط در مژرس یا هفت و هشتی بودن لبه های حفره می باشد.

بعضی ها مادرزاد پرده بکارت ندارند، بعضی دیگر پرده بکارتشان بدون سوراخ است، درحالیکه برخی دیگر پرده های بسیار ضخیمی دارند که ممکن است برای پاره کردن آن، کمک پزشک مورد نیاز باشد تا از بروز درد در هنگام ارتباط جنسی جلوگیری شود، این شیوه را بریدن پرده می نامند. طی اولین دخول، پرده بکارت در چند جا پاره شده و به چند قطعه تقسیم می شود، غالباً تا زمانی که زن، نوزادی به دنیا بیاورد باقیمانده پرده در دهانه واژن وجود خواهد داشت.

**پرده بدون سوراخ یا بسته چیست؟** پرده ای که تنها با خروج نوزاد پاره می شود، اما به صورت خطوط نامنظم گوشتی پیرامون ورودی واژن باقی می ماند. در دخترانی که به سن بلوغ می رسند، در صورتیکه دارای پرده بسته باشند، خون قاعدگی پشت آن جمع شده و نمی تواند خارج شود در نتیجه باعث بروز درد می شود، اینگونه افراد باید به دکتر مراجعه کرده تا طی عمل جراحی و ایجاد برشی در سطح پرده، خون قاعدگی از آن خارج شود.

### **چرا بعضی زنان در اولین ارتباط جنسی خونریزی ندارند و برخی دارند؟**

گذشته از فقدان مادرزادی پرده بکارت در بعضی زنان، در صورتیکه زن در هنگام سکس، آرام و بدون تنش بوده ، زمان کافی برای عشق ورزی داشته باشد، با طرف مقابل خود احساس راحتی کند و دهانه واژنش به اندازه کافی مرطوب باشد، آلت تناسلی مرد به نرمی وارد واژن او می شود و به این ترتیب در اولین ارتباط خونریزی نخواهد داشت. اما اگر زن مضطرب باشد یا بترسد و پاهایش را جمع کند دهانه واژن تنگ خواهد شد و هنگام دخول خونریزی و درد خواهد داشت.

بعضی مردها ادعا می کنند که می توانند در حین سکس تشخیص بدهند زن قبلاً سکس داشته یا نه، چنین نیست. تنها چیزی که مردان می توانند حس کنند، مضطرب و نگران بودن زن است که به همین دلیل خودشان را منقبض کرده و دهانه واژن به نظر تنگ تر می آید.

از آنجائیکه در نظر مردم پرده بکارت، پرده ای بسیار سفت و محکم است که تنها با فشار پاره می شود، برخی مردها در هنگام سکس فشار زیادی به دهانه واژن آورده و موجب پارگی دهانه واژن، درد و خونریزی می شوند. در صورتیکه، اگر زن هنگام سکس آمادگی کافی داشته و به دور از احساس اضطراب باشد هیچ نیازی به فشار از جانب مرد نیست.

## نکات قابل توجه در مورد پرده بکارت:

رشته های عصبی در پرده کم هستند و به همین دلیل در صورت آرامش جسمی و روانی، پارگی آن معمولا بدون درد است.

عمل دخول و پاره شدن پرده بهتر است در زمانی که بدن آرام است و هیچ اضطراب و خستگی وجود ندارد انجام شود. بنابراین نزدیکی در اولین شب ازدواج و پس از مراسم طولانی عروسی توصیه نمی شود.

زنان بهتر است قبل از نزدیکی، نه به منظور گرفتن گواهی سلامت پرده بکارت بلکه به دلیل آگاهی از نوع پرده به پزشک متخصص زنان مراجعه کرده و توضیحات لازم را درخواست کنند. زیرا در موارد نادری که پرده از نوع ضخیم است، احتیاج به عمل جراحی دارد.

در صورت تنگی دهانه واژن، بهتر است از کرم و ژل های تسهیل کننده یا اسپری بی حس کننده استفاده کرد. ضمن اینکه تحریک زن و خروج ترشحات از دهانه واژن موجب روان شدن دهانه واژن و سهولت ارتباط جنسی می شود.

گاهی پرده بکارت با یک یا دو بار نزدیکی کاملا پاره نمی شود و هر دفعه قسمتی از آن پاره شده و کمی خونریزی می کند. بدون پارگی پرده، مایع اسپرم ریخته شده بر روی آن می تواند موجب حاملگی شود، زیرا اسپرماتوزوئید موجود در اسپرم می تواند از سوراخ پرده حرکت کرده و به طرف تخمک زن برود و حاملگی ایجاد گردد. در این موارد زن با پرده سالم حامله می شود.

ورزش هایی مانند سوارکاری، دو، پرش، شنا، رقص، باله، هرگز باعث پاره شدن پرده دختر نمی شوند مگر اینکه وی طی حادثه ای و در هنگام بازی، سقوط کرده و در همان زمان جسمی نوک تیز به پرده اصابت کند و موجب پارگی آن شود

## رنج باکرگی



هم اکنون ، میلیون ها زن در کشورهای زن ستیز از باکرگی خود رنج می کشند ، سردی عاطفی و کمبود های جنسی را با بیزاری تحمل می کنند . ما یکبار بیشتر زندگی نمی کنیم و چه رنج آور است اگر زندگی خود را در محرومیت از نیازهای طبیعی خود بسر ببریم . محرومیت جنسی یک شکنجه و سرکوب به شمار می آید و این وظیفه تمام انسان هاست که از این شکنجه و آزار با جدیت جلوگیری کنند . بی تفاوتی نسبت به این موضوع ، یعنی شریک جرم بودن با زن ستیزان است . هر فرد می تواند در جامعه مجازی و جامعه واقعی برای برون رفت از این مهم ، تاثیر گذار باشد . (باکرگی ممنوع)

# فمینیست یعنی چه؟ فمینیست کیست؟



فمینیست کیست : هر فردی، چه زن باشد و یا مرد، اگر به قوانین زن ستیز و مردسالاری اعتراض داشته باشد و با آن مبارزه کند به او فمینیست گفته می شود . فمینیسم در پی زن سالاری نیست بلکه خواهان (انسان سالاری) است . (باکرگی ممنوع)

.....  
فمینیست بودن به معنای ضد مرد بودن نیست . فمینیست بودن یعنی اعتراض به قوانین مردسالارانه و نگاه های اشتباه مردان !!! (پیج من یک فمینیست هستم)

.....  
فمینیسم جنبشی است برای پایان بخشیدن به زن ستیزی، استثمار و ستم جنسی. " یعنی در پایان قرار نیست مثل مردان شویم، بلکه قرار است به ستم بر زنان توسط مردان، توسط ساختارهای سیاسی، و حتا گاهی توسط خود زنان، پایان بخشیم. (بل هوک)

.....  
فمینیسم باور داشتن به حقوق زنان و برابری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زن و مرد است. فمینیسم مباحثه ای است که از جنبش ها، نظریه ها و فلسفه های گوناگونی تشکیل شده است که در ارتباط با تبعیض جنسیتی هستند و از برابری برای زنان دفاع کرده و برای حقوق زنان و مسایل زنان مبارزه می کند. (ویکی پدیا)

## زن بودن

**در اینجا ، زن بودن  
، به خودی خود  
جرم است**

کفنی سیاه بر سرت پوشانند و زندگی را در  
تو کشتند . تار مویت . رویت . لبخندت .  
صدایت و همه چیزت ممنوع و جرم است .  
حتی عکس تو بر اعلامیه مرگت هم جرم است  
! تو باید دربست و باکره به دست مردانی  
برسی که لحظه ای از سکس غافل نبوده اند .  
باکرگی تو ننگ است آن را بشکن و مالک تن  
خود باش .

(باکرگی ممنوع)

زن بودن در اینجا ، به خودی خود جرم است ، کفنی سیاه بر سرت پوشانند و زندگی را در تو  
کشتند ، تار مویت ، رویت ، لبخندت ، صدایت و همه چیزت ممنوع و جرم است ، حتی عکس  
تو بر اعلامیه مرگت هم جرم است ! تو باید دربست و باکره به دست مردانی برسی که لحظه  
ای از سکس غافل نبوده اند ، باکرگی تو ننگ است آن را بشکن و مالک تن خود باش (باکرگی  
ممنوع)

# غیرت، تعصب و ناموس یعنی چه؟



در این نوشتار می‌خواهیم واژه‌های غیرت، تعصب و ناموس را بشناسیم و ریشه‌ها و معانی این واژگان را بررسی و نقد کنیم.

**واژه غیرت:** واژه غیرت: در واژه‌نامه دهخدا، لغت‌نامه عمید، فرهنگ اسدی به معنی (حسد، رشک بردن، با لفظ عربی استعمال میشود، و مردانه و سرشار از صفات آن است) ریشه آنرا از (غ ر) یا تغییر دانسته‌اند. در جامعه (نمونه در ایران) به مردی که یکسره مراقب خواهر و مادر و همسر خود است و آنها را محدود می‌کند و از ارتباط آنها با دیگران بشدت جلوگیری می‌کند با غیرت می‌گویند. یک مرد باغیرت به مردی می‌گویند که اگر خواهر و مادر و همسر آنها بی‌حجابی کرد و برای ارضای نیازهای جنسی خود با مردی ارتباط برقرار کرد، باید به هر طریق جلوی آنها را بگیرد حتی اگر لازم باشد آنها را کتک بزند و یا حتی بکشد.

**واژه تعصب:** از ریشه عصب است و کلمات اعصاب، عصبانیت، عصبه با آن هم خانواده می‌باشند. تعصب به معنای (اعتقاد سفت و سخت داشتن به چیزی، متعصب کسی است که در عقاید و رفتارش سخت‌گیر و غیر قابل انعطاف بوده حاضر به شنیدن نظریات دیگران نباشد، تعصب واژه ایست که از عصبیت سرچشمه میگیرد و به الگویی از رفتار اطلاق میگردد که نه از روی آگاهی و عقل که از سر خودخواهی؛ سرخوردگی؛ انتقامجویی، بی‌خردی و توهم باشد، تعصب یعنی ایمان بیش از حد و محافظت از چیزی که خودمون دلیل منطقی برای این‌گونه افراط نداریم، یعنی فقط واکنش عصبی نشان دادن درباره چیزی بدون آگاهی، یعنی چشم بستن و دهان گشودن)



**واژه ناموس** : واژه ناموس از واژه هایی است که صدها معنی برای آن گفته شده است و ریشه آن همچنان نامعلوم است. برخی گفته اند از یونانی وارد شده است. (در فرهنگ عمید به معنی شرف، عفت و عصمت به کار رفته است، در جامعه به خواهر و مادر و همسر(زن) ناموس می گویند، واژه ناموس را برای وطن هم به کار برده اند، ناموس را به معنای قانون و شریعت و احکام الهی هم گفته اند)

این تعاریف که تماما بر آموزه ها و قوانین مردسالار و دینی استوار است، در مورد زنان بسیار ناهنجار و ضد انسانی است و سبب شده تا حقوق زنان پایمال گشته و رنج ها و آسیب های فراوان به زنان برسد.

واژه های غیرت، تعصب، ناموس با تعریفی که گفته شد، تنها ابزاری برای مالکیت مردان بر زنان و به زبان ساده به بردگی کشیدن زنان است.

زنان نیمی از جمعیت انسان ها را تشکیل می دهند و همچون مردان دارای حقوق انسانی و جنسی هستند. امروزه این واژگان معنی خود را از دست داده اند و باید تعریفی نو برای آنها ساخته شود که در همین نوشتار به آن پرداخته می شود. زنان امروزه پا به پای مردان تحصیل و کار می کنند و حتی بیشتر از آنها، در رشته های گوناگون نوآوری و خلاقیت دارند، مدارک عالی دانشگاهی را کسب می کنند، خانه ماشین و زندگی دارند، رییس جمهور و وزیر هستند، به همین دلایل دیگر دوران مردسالاری رو به پایان است و به پیرو این دلایل، تعریف واژگان هم باید تغییر کند. زنان دارای حقوق جنسی هستند و سکس یکی از این حقوق است. هر دختری بعد از سن بلوغ حق دارد که باکره نباشد و از سکس لذت ببرد، هر زنی حق دارد که مالک تن خود باشد و زیر سلطه مردان نباشد.

**تعریف جدید و درست برای با غیرت** : با غیرت به کسی گفته می شود که از حقوق انسان ها دفاع کند.

با غیرت کسی است که به شکل گیری جامعه آزاد کمک کند. با غیرت کسی است که به خواهر، مادر، خانواده و همسر خود کمک کند تا زندگی بهتری داشته باشند. با غیرت کسی است که کمک کند تا زنان حقوق خود را بدست آورند. مرد با غیرت به مردی گفته می شود که هیچگاه دست بر روی زنان بلند نکند و اینکار خود را قدرت نداند. با غیرت کسی است که همیشه برای خانواده خود شادی و آسایش آرزو کند و نه محدودیت. با غیرت کسی است که حقوق جنسی انسان ها و زنان را بشناسد و به آن پایبند باشد و باکرگی خواهر و یا دختر خود را یک بردگی زشت بداند و نخواهد که آنها به سبب باکرگی از لذت جنسی سالم محروم شوند و عذاب بکشند.

**تعریف جدید و درست برای بی غیرت** : بی غیرت کسی است که حقوق انسان ها را محترم

نشمارد، بی غیرت کسی است که در برابر جنایت ها سکوت کرده و واکنشی نشان نمی دهد. بی غیرت کسی است که به دیگران فحش جنسی می دهد، مرد بی غیرت کسی است که دست بر روی زنان بلند کند، زن بی غیرت کسی است که خود را جنس دوم بداند و از قوانین زن ستیز پیروی کند. بی غیرت کسی است که با استفاده از قوانین مردسالارانه و زن ستیز و دینی، برای خانواده خود محدودیت بوجود می آورد و به آنها ستم می کند.

**تعریف جدید و درست برای ناموس:** ناموس یعنی حقوق انسان ها، یعنی خرد و درستی، ناموس یعنی آبادانی کشور، یعنی آزادی

**تعریف جدید و درست برای بی ناموس:** بی ناموس یعنی کسی که دشمن آزادی است، بی ناموس یعنی گشت ارشاد و تماشاچیان، بی ناموس یعنی کسی که دختران را ختنه می کند، یعنی انسان ستیز

## ذهنیت مردان و باکرگی ( اوزوم عنب انگور )



چندی پیش نوشتاری بسیار ارزشمند را خواندم با عنوان در باب بکارت دختران که موضوع از این قرار بود : مردان ایرانی باکره نبودن زنان را برجسب های گوناگون می زنند ( نام های مختلفی بر روی یک چیز می گذارند ) این تفاوت در سه نفر بررسی شده است :

**1- دوست دختر خود**

**2- یک زن بیوه**

**3- یک دختر خارجی**

**بررسی ذهنیت یک مرد ایرانی با دوست دختر خود :** اگر فرض کنیم که این مرد قصد ازدواج با دوست دختر خود داشته باشد و بفهمد که او هم قبلا دوست پسری داشته و سکس هم داشته است و دیگر باکره نیست ، به احتمال زیاد به او برجسب هرزگی می زند و ممکن است با این دختر ازدواج نکند .

**بررسی ذهنیت یک مرد ایرانی با زن بیوه :** اگر یک زن بیوه را که باکره هم نیست آن مرد دوست داشته باشد ، با او ازدواج می کند و برجسب هرزگی هم به او نمی زند .

**بررسی ذهنیت یک مرد ایرانی با دختر خارجی :** اگر مردی تصمیم به ازدواج با یک دختر خارجی داشته باشد ، نه تنها باکرگی این دختر برایش مهم نیست و به آن برجسب هرزگی

نمی زند بلکه افتخار هم می کند(همانطور که می دانیم آن دختر در کشوری آزاد رشد کرده و از آزادی سکسی برخوردار بوده و باکره نیست)  
اینجاست که می بینیم در هر سه مورد هر سه زن باکره نبوده اند ولی سه برداشت و ذهنیت متفاوت وجود دارد که کاملاً احمقانه به نظر می رسند .



این راز ذهنیت است که انسان ها به این وسیله و با توجیه کردن ، کوشش دارند تا خود را فریب دهند و یک چیز را سه چیز متفاوت و با نام های متفاوت ببینند . تمثیلی وجود دارد که می گوید سه نفر فارس و ترک و عرب پولی (درمی) پیدا می کنند و می خواهند آنرا خرج کنند و چیزی برای خوردن بخرند ، فارس می گوید **انگور** می خواهم و ترک می گوید **اوزوم** ، عرب می گوید **عنب** ، و بر سر گفته هایشان درگیر می شوند ، دانایی از راه می رسد و می گوید خواسته همه شما یک چیز است و بیهوده مشاجره می کنید .

باید یاد بگیریم درست فکر کنیم و ذهنیت غلط خود را اصلاح کنیم . نخست اینکه باکره نبودن برای زنان بعد از سن بلوغ یک حق است و هیچکس حق ندارد که زنی را از حقوق جنسی خود محروم کند . دوم اینکه از توهین کردن و انگ زدن به زنان خودداری کنیم و جنسیت زنان را بازیچه خود قرار ندهیم . مردانی که خود باکرگی ندارند و می توانند براحتی سکس داشته باشند و کسی هم متوجه نشود ، چه حقی دارند که برای زنان تعیین تکلیف کنند و زنان را با باکرگی به بردگی بکشند ؟

انسان ها نیاز به سکس دارند همانطور که نیاز به تنفس و غذا دارند . زنی که باکره نیست ، چه فرقی دارد که دوست دختر شما باشد و یا یک زن بیوه و یا یک دختر خارجی ؟

.....

# ختنه زنان

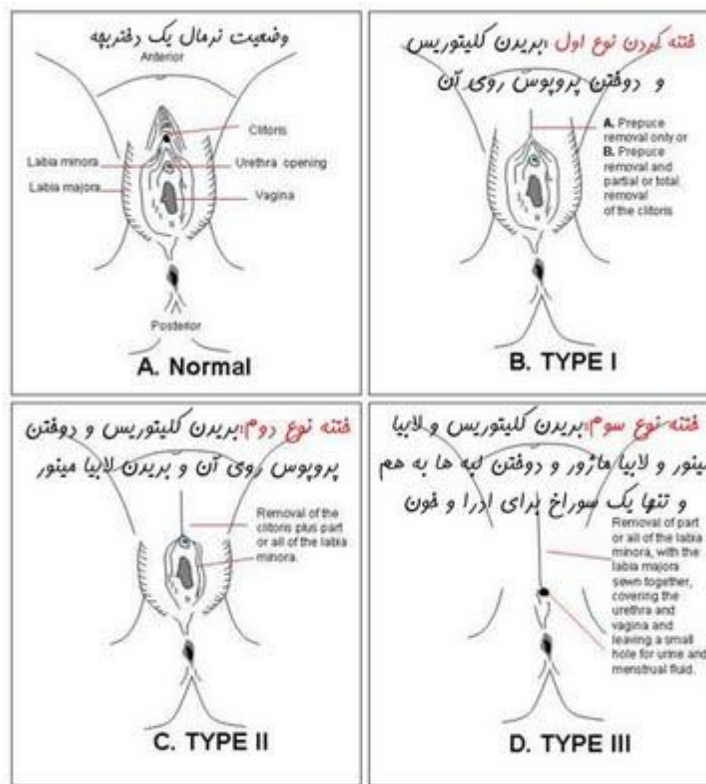


منبع این نوشتار از وبلاگ [com.http://helpinfo.mihanblog](http://helpinfo.mihanblog.com)





ختنه زنان ، نابودی لذت جنسی در زنان است که با روش های گوناگون انجام می شود . این کار یک شکنجه و نقص عضو به شمار می رود و در کشور هایی چون آفریقا ، مناطق کردنشین شمال عراق ، برخی نواحی جنوبی و کردنشین ایران ، برخی کشور های آسیایی و نقاط دیگر انجام می شود . ما به این کار اعتراض شدید داریم و آنرا محکوم می کنیم . در صورت مشاهده چنین چیزی در هر کجا که بودید ، بسرعت اطلاع رسانی کنید و در مقابل آن واکنش شدید نشان دهید .



## ختنه زنان چیست؟

ختنه در واقع قطع ناحیه ای از آلت تناسلی زن به نام کلیتوریس است که با قطع آن حس زنانگی در آن ها از بین رفته و زن تا پایان عمر از دریافت لذت جنسی محروم خواهد ماند. ختنه زنان در سه شکل متفاوت صورت می گیرد:

حالت اول منحصر به بریدن کلیتوریس می شود. در نوع دیگر آن علاوه بر کلیتوریس، کلبنان

یا لب‌های کوچک اندام جنسی (Labia Minor) نیز بریده می‌شوند.

بدترین شکل ختنه زنان نوع سوم آن است. در این مدل کلیتوریس و کلبان یا لب‌های کوچک هر دو بریده شده و با به هم آوردن ملبان یا لب‌های بزرگ (Major Labia) آن‌ها را میدوزند. سپس بر روی آن سوراخ‌های کوچکی در نزدیکی مجرای ادرار و دهانه‌ی رحم ایجاد می‌کنند. این روش که دردآمیزترین و خطرناکترین شکل ختنه به حساب می‌آید، در آفریقا به شدت رواج دارد و معروف به "ختنه فرعونی" است. در این حالت محل دوخته شده هنگام وضع حمل باز می‌شود و پس از زایمان آن را مجدداً می‌دوزند. با توجه به رقم بالای زاد و ولد در آفریقا، این "عمل فرعونی" برای زنان در حقیقت یک "شکنجه" است. همچنین شب ازدواج، که برای این زنان اولین تماس جنسی محسوب می‌شود، خشونت‌آمیز و توأم با رنج و شکنج است.

از هر ده مورد "ختنه فرعونی" زنان و دختران، یک مورد یا بلافاصله می‌میرد و یا بعدها بر اثر عفونت ناشی از آن جان خود را از دست می‌دهد.

## دلایل ختنه کردن دختران

بر اساس تحقیقات سازمان بهداشت جهانی، از دلایل موجه جلوه‌دادن ختنه دختران، " مفید بودن آن از نظر بهداشتی، کمک به سلامتی، پیدا کردن روح پاک، زیبایی بدن دختر، کنترل تمایلات جنسی او تا قبل از ازدواج، نگهداری باکرگی دختران جوان تا زمان ازدواج، تامین لذت جنسی بیشتر برای مردان و نگهداشتن رسم و رسوم نسل‌های گذشته" عنوان شده است.

## عوارض‌های ناشی از ختنه زنان

این سازمان همچنین در تحقیقی از عوارض ختنه دختران و زنان سخن می‌گوید و آن‌ها را این‌گونه بر می‌شمارد: آسیب‌رسانی به مجرای ادرار، عفونت‌های خونی، ایدز، یرقان، تشکیل کیست و دمل در ناحیه‌ی مجرای ادرار و یا دهانه مجرای تناسلی، خونریزی، ایجاد شوک و حتی تلف شدن فرد به دلیل استفاده از وسایل غیر بهداشتی و استفاده نکردن از داروهای موضعی، عفونت‌های مزمن یا متناوب مجرای ادرار و لگن، خطر عقیم شدن زنان، افسردگی، سردمزاجی، کاهش میل جنسی، تجربه نکردن ارضاء جنسی، قطع قانندگی، جمع شدن خون قانندگی در شکم و یا به تأخیر افتادن و سختی دوران قانندگی و حتی مرگ دختران. در نواحی جنوبی و کردنشین ایران نیز ختنه زنان به‌نوعی رواج دارد ختنه زنان در این نواحی، جنبه دینی به خود گرفته است و زنان به حکم سنت و آئین، از لذت جنسی محروم‌اند. نه فقط در شهرهای کوچک، که گاه در شهرهای بزرگتر، دختران را در کودکی ختنه

در گزارشی که کانون زنان ایران منتشر کرده‌است، نمونه‌های مشخصی از شهرهای استان هرمزگان آمده است. به عنوان مثال در بندر کنگ از شهرهای کوچک استان هرمزگان، دختران را ۴۰ روز پس از تولد ختنه میکنند. در این گزارش به نقل از یک زن بومی آمده است: «برخی دختران شهر دیرتر و دردناکتر، در سنین ۴ یا ۵ سالگی ختنه می‌شوند. آن‌ها تمام مراحل ختنه را با چشمان باز می‌بینند. لبه‌های کلیتوریس تیغ ریش‌تراشی مردان می‌برند

## کارزار زنان

کارزار زنان با متمرکز کردن بخشی از نیرویش در این راستا و با توجه به رواج این عمل غیرانسانی در جهان توانسته است، در کشورهایی چون سنگال، سومالی و هند موفقیت‌هایی به‌دست آورد. مبارزه با ختنه زنان در واقع مبارزه با جهل و باورهای غلط است. مبارزه‌ای که چندان آسان نیست.

تصویب قانون ممنوعیت ختنه دختران و زنان در مصر دستاورد هرمان زنان قربانی و تلاش‌های پی‌گیرندگان حقوق زنان است. هر چند برای بودوار کوچک دیر شده است، قوانینی از این دست می‌توانند دختران بی‌گناهی چون او را حمایت کند.









---

به ختنه زنان پایان دهید

واژه فاحشه بی معنی و توهین است

**اثبات بی معنی و توهین بودن واژه فاحشه ( بخوانید و بدانید ) :** در جامعه به زنی که با افراد مختلف رابطه سکس برقرار می کند می گویند (فاحشه ، روسپی ..... ) و چند واژه شرم آور دیگر .

پرسش در اینجاست که چرا فقط به زنان می گویند ؟ و چرا سکس با دیگران را ننگ می شمردند ؟

**سکس حق هر انسانی است ،** یکی از ابتدایی ترین حقوق هر انسان بعد از رسیدن به سن بلوغ ، داشتن حق سکس است ، البته بدون زور و با رضایت کامل .

پس می بینیم که داشتن سکس سالم حق است و در اینجاست که واژه فاحشه بی معنی می شود

**پاسخی دیگر از نوعی دیگر :** اگر داشتن سکس با دیگران فاحشگی به حساب می آید ، پس شامل مردان نیز می شود ، یعنی اگر مردی بغیر از یک زن با فرد دیگری سکس داشته باشد ، او نیز فاحشه است .

زنان نباید از عضو جنسی خود شرم داشته باشند ، اگر مرد از سکس لذت می برد ، زن هم لذت می برد و هیچ فرقی نیست ، عضو جنسی زنان شکل خاص خود را دارد و عضو جنسی مردان هم شکل خاص خود را و نمیتوان گفت کدام برتر است ، بلکه این دو کامل کننده همدیگر هستند .

**اگر کسی چه زن و چه مرد بخواهد از تن خود ، درآمد مالی داشته باشد ، این حق را دارد و ننگ به شمار نمی رود ،** همچنانکه یک کارگر از تن خود برای بدست آوردن پول استفاده می کند ، یک نفر با مشقت زنی و ورزش از تن خود درآمد کسب می کند ، یک نفر از حنجره خود برای درآمد استفاده می کند ، یک نفر با مغز خود ، یک نفر با رقصیدن و از تن خود درآمد و پول بدست میآورد ، یک نفر از تن خود با سکس درآمد بدست می آورد ( چه زن چه مرد) . بتازگی در بعضی کشورها ، مردان برای سکس با زنان پول دریافت می کنند ، زنانی که به مسافرت می روند ، برای تفریح به سواحل گرمسیری نیز می روند و به مردان پول می دهند تا در آن چند روز مسافرت ، دوست و شریک جنسی آنها باشند ، هم گردش کنند و هم سکس داشته باشند ، اینکار هم ننگ نیست ، بلکه یک معامله است ، فردی پول می گیرد و نیازهای دیگری را برآورده می کند . اگر شما گرسنه و یا تشنه باشید و فردی نیاز شما را برآورده کند و با دادن غذا و آب راحتی به وجود شما برساند ، آیا این مشکلی دارد ؟ سکس هم یک نیاز قوی در انسان هاست و اگر کسی نیازهای جنسی ما را برطرف کرد ، نه تنها ننگ و عیبی نیست بلکه باید سپاسگذار هم باشیم . باید بدانیم که سکس سالم بد نیست ، آنچه بد است این است که از سکس به عنوان یک توهین و آزار و اذیت استفاده شود ، نباید وسیله ای برای زورگویی و فحاشی باشد وگرنه سکس و شهوت نه تنها بد نیستند بلکه از لذت بخش ترین خواسته های بشر به حساب می آیند و بیشترین مشغله ذهنی انسان را به خود اختصاص داده اند .

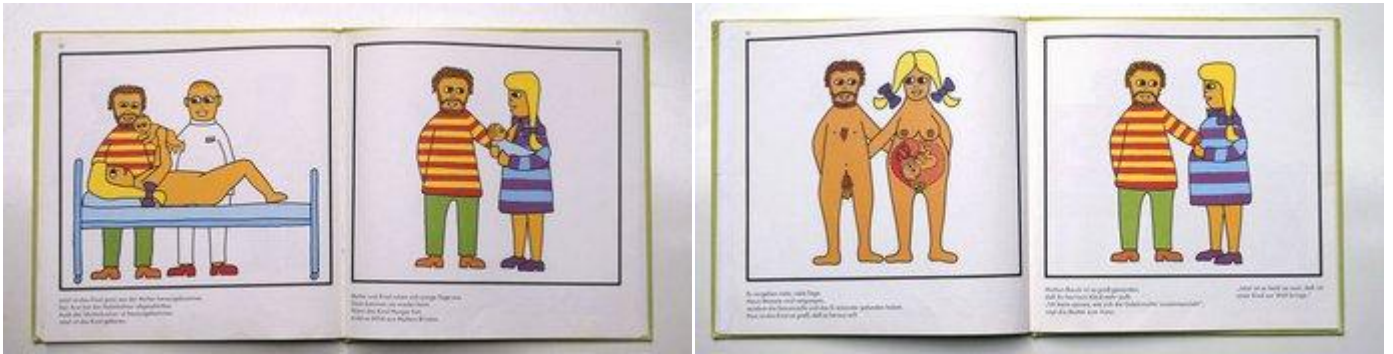
**اگر بعد از سن بلوغ پسر یا دختری سکس نداشته باشند ، به بیماری ها و مشکلات جسمی و روانی**

**دچار می شوند ،** حتی پزشکان گفته اند باعث سرطان می شود . در کشور های اسلامی و ایران پسران می توانند سکس داشته باشند و کسی هم متوجه نشود ولی دختران با مشکلی به نام بکارت مواجه هستند ، که شامل پرده ای نازک بر روی ورودی عضو جنسی آنهاست که بنا به باور های دینی و اجتماعی ، باید دست نخورده باقی بماند و در حقیقت دختران بدون ازدواج نمی توانند سکس داشته باشند . در اینجا ست که می خواهیم این باور نادرست را بشکنیم و بگوییم که داشتن سکس سالم حق دختران است و باید مالک تن خود باشند و از زندگی خود لذت ببرند و به گفته های افراد بی فرهنگ ارزشی قایل نباشند . **نتیجه : سکس یک حق است و ما نباید از نام ها و واژه هایی زشت و با بار ذهنی منفی ، برای دیگران استفاده کنیم (واژه هایی چون : فاحشه ، روسپی ، جنده ، هرزه) را تحریم کنیم و از انسانیت خودمان شرم کنیم .**

(باکرگی ممنوع)

# آموزش مسایل جنسی در کتاب درسی ابتدایی آلمان

در آلمان کودکان را از سن 6 سالگی با مسایل جنسی آشنا می کنند و به انها دروغ نمی گویند. | این تصاویر از کتاب درسی ابتدایی کودکان در آلمان است. | باید با واقعیت ها روبرو شد.



## مردسالاری ، آتشی که دودش در چشم مردان رفت

در نكوهش مرد سالاری نوشتارهای زیادی منتشر شده است و در اینجا قصد نداریم از زن سالاری هم صحبتی داشته باشیم چرا که هر دو زیان بار و مخرب جامعه هستند ، صحبت از انسان سالاری است که در آن مرد و زن باید حقوق مساوی داشته باشند ، که حقوق جنسی یکی از آنهاست . از گذشته های دور و بر اثر عوامل مختلف مانند قدرت و فیزیک جسمانی ، خرافات ، ادیان ، و زاد و ولد ، مردسالاری بوجود آمد و حقوق زن زیر پا گذاشته شد و تا حدی رسید که زن تبدیل به (برده ای خانگی) شد . تا آنجا که توانستند زن را محدود کردند ، او را شیطان نامیدند ، پستش خواندند ، سمبل ضعف و ترحمش دانستند ، حجاب بر سرش کردند ، سنگسارش کردند ، سوزاندنش ، فاحشه اش خواندند ، مثل های زشت برایش ساختند ، باکره نبودنش را ننگ دانستند ، داستان آفرینش ساختند و او را موجودی دانستند که برای مرد آفریده شده است و هر چه بدی را به او نسبت دادند !! .... که چه ؟ که بهانه ای برای بدی ها داشته باشند و مرد زمام قدرت را در دست بگیرد و بر او حکومت کند . در زمانه اکنون که دانش پیشرفت کرده است و وسایل ارتباط جمعی چون اینترنت ، کامپیوتر و ماهواره ها ، باعث شده اند تا آگاهی ها گسترش پیدا کند و زنان تا حدی با حقوق خود آشنا شوند . حال می بینیم که زنان پا به پای مردان تحصیل می کنند و به درجات عالی می رسند ، زنان کار می کنند و خرجی می دهند ، زنان ماشین و خانه دارند و با جهان ارتباط برقرار می کنند ، زنان اولویت مشاغل قرار دارند و درد سر ساز نیستند و محیط کار را با صفا می سازند ، حال عرصه بر مردان تنگ شده است ، چرا که از چند جهت دچار پارادوکس و تضاد شده اند و میتوان گفت در آتشی گرفتار شده اند که هیزم آنرا خود جمع آوری کردند (خواسته یا ناخواسته) . مردان از طرفی پیشرفت جهانی را می بینند و می خواهند با آن خود را سازگار کنند و از طرفی هم قوانین ضد زن در جامعه حاکم است ، می خواهند با دختری دوستی داشته باشند اما این دوستی بدون سکس برای آنها معنایی ندارد ، حال چکار باید بکنند ؟ آیا باید باکره نبودن را به عنوان یک حق برای زنان بپذیرند ( که شامل خواهر خود آنها هم می شود ) و یا نه بپذیرند ؟ مردی می خواهد ازدواج کند ، می بیند که زن از او مهریه و خرجی و خانه می خواهد در حالی که زنان خود شاغل هستند و درآمد دارند ، حال نمی تواند اعتراض کند ، چون قانون تساوی زن و مرد بر جامعه حاکم نیست ، در ضمن زن می تواند در هنگام عقد درخواست کند که حق طلاق داشته باشد که این دیگر کفر مرد ها را در می آورد . مردان می خواهند که زنانشان در جامعه کار کنند و کمک خرجی آنها باشند ، از یک طرف باید اجازه دهند که زن آزادانه به جستجوی کار برود و با افراد مختلف ارتباط کاری داشته باشد و از طرفی هم می خواهند تعصب به خرج دهند که این دو با هم ناسازگار هستند . بیشتر مردان در حال حاضر یا بیکار هستند و یا بسختی درآمدی بدست می آورند و حتی توانایی ازدواج هم ندارند ، حال می خواهند خوش گذرانی کنند و یا سکس داشته باشند ، می بینید که نمی توانند چرا که قوانین ضد زن بر جامعه حاکم است و باکرگی یکی از همان مشکلات بزرگ است . مردان متاهل از امنیت خانواده خود رنج می کشند ، چرا که جوانان بیکار و مجرد ، پی در پی مزاحم خانم آنها می شوند و هزاران توهین و متلک به آنها می گویند ، چرا ؟ واقعا چرا ؟ پاسخ مشخص است مانند خورشید در روز ، در کشور آزادی نیست ، زنان آزاد نیستند و حقوقشان پایمال شده است ، بیشتر مردان مجرد تبدیل به بیماران جنسی شده اند که هر زنی را که می بینند ، می خواهند با او سکس داشته باشند ، اگر آزادی باشد ، هر دختر و پسر نیاز های جنسی همدیگر را برطرف می کنند و با شادی وطن خویش می کنند آباد ، در دانشگاه ها و کلاس درس به جای فکر کردن درباره سکس ، به دانش و پیشرفت فکر می کنند ، به همدیگر توهین نمی کنند و علاف و متلک گو نمی شوند ، آری مردسالاری آتشی بود که دودش به چشم مردان رفت . (باکرگی ممنوع)

# جملات ، سخنان ، اشعار درباره باکرگی

از خرافات فکری بشر یکی هم این است که بکارت جزو فضائل است (ولتر)

.....

زن بودن در ایران و کشورهای اسلامی ، به خودی خود جرم است ، کفنی سیاه بر سرت پوشاندند و زندگی را در تو کشتند ، تار مویت ، رویت ، لبخندت ، صدایت و همه چیزت ممنوع و جرم است ، حتی عکس تو بر اعلامیه مرگت هم جرم است ! تو باید در بست و باکره به دست مردانی بررسی که لحظه ای از سکس غافل نبوده اند ، باکرگی تو ننگ است آن را بشکن و مالک تن خود باش (باکرگی ممنوع)

.....

بکارت تحقیر آمیز ترین ظلمی بود که به زنان شد !!

.....

بکارت پرده ای سست است که با آن می توان سستی مغزها را اندازه گرفت. (باکرگی ممنوع)

.....

ای زن ، ای ایرانی ، قرن ها ترا در پستوی خانه پنهان کردند ، ترا ضعیفه صدا زدند و زیباییت را شکنجه دادند ، ترا کالایی ننگین می دانستند که تنها بوی مصرف شوهر داشتی! ترا از تو گرفتند و بی معنایت کردند ، بشکن این بت دیرینه را و ترجمه کن زخم سالخورده ات را ، زن باش با تمام جنسیتت (باکرگی ممنوع )

.....

شکستن بکارت ، مرز ورود تو به دنیای مالکیت تن خود است ، خواه که کلید مالکیت تو در دست دیگران باشد ، پادشاه کشور خود باش ، همانطور که با چشم خود حق دیدن داری ، همانطور که با لب خود حق سخن گفتن داری ، همانطور که با پای خود حق راه رفتن داری ، همانطور هم حق شکستن بکارت خود را داری ، از شکستن بکارت خود شرمسار مباش چرا که شرمی در آن نیست

.....

دختر ایرانی ،  
همانطور که نفس می کشی،  
همانطور که آب و غذا می خوری،  
همانطور که سخن می گویی،  
همانطور هم حق سکس داری،  
تو حق داری که مالک تن خود باشی  
تو حق داری که باکره نباشی  
تو حق داری به جنسیت خود افتخار کنی  
تو حق داری از جنسیت خود دفاع کنی  
تو حق داری که گوش به احمق نکنی  
(باکرگی ممنوع)

---

جنسیتت را دزدیدند  
قرن هاست ، مگر خبر نداری؟!  
تو ، تو نیستی!  
حتی نمیدانی واژنت را چه بنامی!  
شرم گاه ، نازگاه ؟  
نه ، نه ، باز هم برایت شرم آورست  
گویا ترا با شرم سرشته اند  
آه ، یادم رفت بگویم  
آن مرد را می بینی ؟  
از شرمگاه تو بیرون افتاده است.  
(باکرگی ممنوع)

---

به تو گفتند باکره باش زیرا می دانستند که سक्स چه لذت و فوایدی دارد  
به تو گفتند باکره باش تا سرخوشی و آزادگی را از تو بگیرند  
به تو گفتند باکره باش تا همچنان به بردگیت ادامه دهی  
به تو گفتند باکره باش تا خود آزار و دیگر آزار شوی  
به تو گفتند باکره باش تا خود هر پرده ای را که میخواهند بدرند  
به تو گفتند باکره باش تا حق تفکر و انتخاب را از تو بگیرند  
(باکرگی ممنوع)

.....

لعنت میفرستم به این جنس لعنتی  
که شب و روز نگرانم میشوند  
نه برای بودنم، برای دختر ماندنم !!!  
لعنت که همیشه پُشت پرده های بکارتی پنهانم که پکر بودن فکرم و نگاهم فراموش  
میشود.....!!!!!!

.....

من یک زنم ،  
من از جنسیت خود شرمی ندارم  
بلکه به آن افتخار هم می کنم  
من دارای زیباترین اندام در میان تمام موجودات هستم ،  
من دارای زیباترین عضو جنسی هستم  
من از جنسیت و واژن خود لذت می برم  
در تمامی تاریخ ، زبانزد زیبایی و زندگی هستم  
تک تک اندام من ، هنرمندان جهان را شگفت زده کرده است  
همه مرا می خواهند  
آری من زنم

.....

بزرگترین قدرت تو در همان پرده نازکیست که مردان هزار قانون برایش ساخته اند ،  
آری از پرده ای نازک می ترسند و تو این را نمی دانی  
از پرده ای می ترسند که تو را به حقوقت می رساند ،  
و تو آزاد می شوی از هزار بردگی ، هزار رنج و هزار توهین  
پس پرده دار بی پردگان مباش  
(باکرگی ممنوع)

.....

با تو هستم ای مرد ،  
خوب گوش کن  
من و تو از کودکی با هم بودیم ،  
همسایه بودیم ، آشنا بودیم ، همبازی بودیم  
من و تو با هم دوست بودیم  
دشمن نبودیم ،  
اما ما را از هم جدا کردند  
دوستی ما را فنا کردند  
ترا دشمن من ، و مرا دشمن تو کردند  
و تو ندانسته و دانسته ، اسیر زورگویی شدی  
امروز اگر با من هستی که هیچ  
اگر نیستی ، حقم را از تو پس می گیرم  
(باکرگی ممنوع)

.....

یک زن در ایران ، از لحظه ای که پایش را از خانه بیرون می گذارد، یا متلک است که بسوی  
او پرتاب می شود ، یا احساس ناامنی و گشت ارشاد و حجاب اجباری است ، یا برانداز شدن  
سرپایش است توسط مردانی که خود اسیر قوانین ضد زن هستند ، یا ترمز زدن ماشین های  
گوناگون از هر قشر جامعه که پی در پی پیشنهاد می دهند ، .... حال کدام مردی می تواند  
چنین جسارتی داشته باشد که یک روز به جای زنان باشد ؟ (باکرگی ممنوع)

.....

دلسوز زنی هستم... که زنانه ترین احکامش را .... مردان مینویسند

.....



چرا سکس را زشت میدانای در حالی که خود نتیجه سکسی  
چرا باکره نبودن را ننگ میدانای در حالی که خود نتیجه باکره نبودن هستی  
چرا سکس را بد میدانای در حالی بزرگترین لذت بشر است  
چرا سکس را شرم می دانی در حالی که بیشتر به آن فکر می کنی  
چرا سکس را نهی می کنی در حالی که بدون آن احساس پوچی می کنی  
(باکرگی ممنوع)

.....

شخصی ترین پرده ام را ، پرده ننگم کردی  
بارزترین زنانگی ام را شرمم کردی  
پرده های ظلمت را کنار می زنی ،  
و به خورشید آزادی درود می فرستم  
من زنی و زنانگی ام را پس می گیرم  
(باکرگی ممنوع)

.....

چه در خیابان های نیویورک و چه در روستاهای افغانستان ، بزرگترین بی فرهنگی و زشت  
ترین توهین به جنس زن ، وجود پدیده ای به نام فحش جنسی است ! یعنی یک مرد ( و یا حتی  
زن ! ) همان نقشی را که زن بر اساس ویژگی های انسانی خود در رابطه جنسی ایفا می کند را  
آنقدر پست ، زشت و ناخوشایند بداند که آن را به عنوان توهین و تحقیر کسی به او نسبت دهد !

.....

به مردان می فهمانیم که دیگر در انتظار دختران باکره نباشند ،  
باکرگی را به موزه ها و تاریخ می سپاریم تا آیندگان بدانند ما نیز زن بودیم  
باکره ماندن ، سند حماقت ، مظلومیت و بی تفاوتی ماست (باکرگی ممنوع)

.....

زنان ایرانی ، از زیباترین و با استعدادترین زن های جهان هستند که کینه دیرینه عرب و عرب پرستان سبب شد او را از نظر فکری در محدودیت نگاه دارند و حقوق او را به بدترین شکل ممکن پایمال کنند و به فلاکتی که هم اکنون آنرا می بینیم دچار کنند .  
اما بدانند که زن ایرانی با آگاهی خود ، مبارزه می کند و حقوق خود را پس می گیرد .  
(باکرگی ممنوع)

.....

صحبت در اینجاست که اگر مالکیت اعضای خود را بدست نگیریم ، مالکیت آنرا بدست می گیرند ، منطقی از این روشن تر نیست . و هنگامی که مالکیت ترا بدست گیرند چیزی جز یک برده به شمار نمیایی .  
(باکرگی ممنوع)

.....

از خودمون شروع کنیم ، فرهنگ زشت باکره ماندن را کنار بزنیم و از ستمی که قرن ها بر زن شده است جلوگیری کنیم | بدانیم که سکس حق انسان هاست و به حقوق انسان ها احترام بگذاریم . (باکرگی ممنوع )

.....

هزاران سال از تمدن بشری گذشته است اما هنوز هیچ راه حلی جز سکس برای این نیاز های جنسی شناخته نشده است | حتی انسان های بدوی هم اینرا می دانستند ، چه برسد به انسان امروزی ! اگر در جامعه آزادی حاکم باشد و روابط آزاد و سالم جنسی و حقوق برابر زن و مرد در بین افراد وجود داشته باشد ، خود ارضایی و روان پریشی و تجاوز معنای خود را از دست می دهد و بسیار کاهش می یابد ، زنان و مردان برده جنسی یکدیگر نمی شوند ، شادی و امنیت ( ذهنی و جسمی) گسترش می یابد | (باکرگی ممنوع)

.....

زنان باید بیاموزند که برای بدست آوردن حقوق خویش به چند چیز نیازمندند:

- 1- اندیشه ، منطق (راه درست فکر کردن) ، آگاهی و گسترش آگاهی ، کتاب بخوانند .
- 2- با ورزش کردن جسم خود را قوی کنند زیرا همواره به ضعیف ستم می شود .
- 3- استقلال شخصی داشته باشند چون به عنوان یک انسان دارای حقوق برابر با مرد هستند .
- 4- از جنسیت خود دفاع کنند و مبارزه کنند | (باکرگی ممنوع)

.....

باکرگی بهانه بود تا تورا به زنجیر بکشند  
باکرگی بهانه بود تا بردگیت را جشن بگیرند  
باکرگی بهانه ای بود تا زور را جایگزین منطق کنند  
باکرگی بهانه ای بود تا هویت زنانگیت را بگیرند  
باکرگی زندگیت بود (باکرگی ممنوع)

.....

دوران مرد سالاری رو به پایان است و دیگر چیزی از این لاشه پوسیده باقی نمانده است ،  
دیگر خود مردها هم از بوی تعفن این جسد به تنگ آمده اند | ، زنان ثانیه به ثانیه آگاه تر می  
شوند و با نسل های گذشته فاصله خود را بیشتر می کنند ، نسل هایی که علت و معلول مرد  
سالاری و زن ستیزی بودند . عصر ما ، عصر انسان سالاری خواهد بود اگر ما زنان حقوق  
خود را بازپس گیریم . (باکرگی ممنوع)

.....

نکته جالب درباره ازدواج و سکس دختران باکره اینست که ، مردانی که با دختران باکره و  
آفتاب مهتاب ندیده ازدواج می کنند ، از آنها انتظار دارند که مانند سوپر استار های هالیوود و  
فیلم های پورن ، سکسی باشند و چنین حرکاتی انجام دهند ، ولی گویا فراموش کرده اند که این  
دختر سال ها طعم لذت را نچشیده است و یکسره با زن بودن خود درگیر بوده و خودسانسوری  
باعث شده تا حد زیادی از سکس سرد شود و حتی آنرا شرم بداند ، حال چگونه می شود که  
یک شبه تبدیل به سوپر استار آن مرد شود ؟  
(باکرگی ممنوع)

.....

ضعیف نباش  
ضعیف نباش این هزار بار ،  
ضعیف بودن جُرْمیست ماندگار  
قدرت برای خود قانون و منطقیست  
نترس تا بترسانی  
بالا تر از سیاهی که رنگی نیست!  
در واژه زن بودن  
حق را کسی به تو هدیه نمی دهد  
زیرا که حق ، گرفتنیست  
(باکرگی ممنوع)

---

دیگر سکوت نخواهم کرد !  
هم اکنون است ، آن زمان ناب!  
رویای زن ،  
چشم براه تعبیر است  
دیگر سکوت نخواهم کرد!  
که سکوت ، این دمل چرکین روزگار  
دهان گشوده و بی تاب است  
زخم های کهنه ام انگار  
قصد رو شدن دارند!  
دیگر سکوت نخواهم کرد!  
های همه مردم شهر!!!  
باکرگی نه ، بیکرانگی خواهم  
ترجمان زخم من اینست  
(باکرگی ممنوع)

---

چه دروغ ها که به ما نگفتید!  
چه بازی ها که با نکردید!  
ما را موجوداتی آسمانی نامیدید ،  
بهشت را زیر پایمان دانستید!  
چه کودکانه فریب خوردیم ،  
چه ساده بردگیمان را رقم زدیم  
تمام فلسفه زندگیمان  
جنسیتمان شد نه انسانیتمان!  
چه خوب گفت آن خردمند ،  
دین افساری است که به گردنتان میاندازند  
تا خوب سواری دهید  
و هرگز پیاده نمیشوند،  
باشد که رستگار شوید  
(باکرگی ممنوع)

.....

چرا زیبایی باید پنهان باشد ؟  
چرا زیبایی باید شرم آور باشد ؟  
چرا زشتی آزاد است ؟  
چرا زیبایی ممنوع است ؟  
می بینی! کلاغ های زشت آزادند ،  
طاووس زیبا و طوطی خوش سخن در قفس گرفتار!  
براستی تا کی این باژگونگی ؟  
چرا زیبایی جرم است  
(باکرگی ممنوع)

.....

در شگفتم!

در شگفتم از این همه قدرت و صبر تو!!!  
از اینهمه سازگاری و انعطاف تو!  
در شگفتم از وجود سراسر با گذشتت  
در شگفتم از همه زیبایی ها و لطافتت  
در شگفتم از اندام آتشین و محرومیت تو  
در شگفتم از اسارت و مظلومیت تو  
در شگفتم ، در شگفتم در شگفتم!!!  
در شگفتم از تو ای زن  
(باکرگی ممنوع)

.....

شهوت بد نیست ، اگر ابزاری برای زور و توهین نباشد  
سکس بد نیست ، اگر وسیله ای برای تحمیل و بردگی نباشد  
خودخواهی بد نیست ، اگر سبب شود تا دیگران بیشتر به خودشان اهمیت دهند  
غرور بد نیست ، اگر سبب شود تا ارزش ها و انسانیت را نگهداری کنیم  
(باکرگی ممنوع)

.....

نفرین بر آنانکه عشقبازی را هوس نامیدند ، تا ترا از من و مرا از تو جدا کنند .  
(باکرگی ممنوع)

.....

ما قانون تعیین می کنیم  
ما در دهان این مردسالاری می زنیم  
دلخوش به این نباشید که ،  
باکرگی را ممنوع می کنیم ، حجاب را ممنوع می کنیم  
ما حقوق زنان را باز می گردانیم  
آزادی را گسترش می دهیم  
زندانیان و مبارزان زن را آزاد می کنیم  
ما دولت تعیین می کنیم ، مجلس تعیین می کنیم  
در گوش زن ستیزان می زنیم  
(باکرگی ممنوع)

.....

بی پروا بگویم  
هر چه ضد زن باشد  
هر چه زن ستیز و کژ باشد  
یا که سنتی ، رسمی  
نام و قانون و مسلکی باشد  
در برابر آن چیز  
شوق رزم و جنگ دارم  
ایستاده و طلبکارم  
بیدارم و بیزارم  
تا نفس مرا باشد  
مشت آهنین دارم  
حق خود طلبکارم  
(باکرگی ممنوع)

.....

رها شو  
رها شو ای زن  
رها شو از این بند و بندگی  
باکرگی و بردگی  
که هستیت را بازیچه کرد  
بازیچه ای زشت  
آنچه که مرد نوشت  
رها شو  
رها ، رها از ستم دیدگی  
رها از سکوت از شرمندگی  
رها شو  
رها از یک تاریخ ، تاریخ بد  
مردسالاری و فرمان مرد  
رها شو ، رها  
(باکرگی ممنوع)

.....

حقوق ترا دزدیدند ، باکره نماندن حق تو بود اما آنها ترا در باکرگی محبوس کردند ،  
ترا ناموس نامیدند ! نه برای دفاع از تو بلکه برای کنترل و محدودیت تو ،  
ترا شیطان خواندند تا بهانه ای برای ظلم و ستم به تو داشته باشند ،  
و آن عربی گفت : زن اگر بر پشت شتر هم که باشد باید کام شوهر خود دهد ؟!!!!  
شگفتا!  
چه ها که بر تو نکردند و باز تو می خواهی سر سپرده این زن ستیزی باشی .  
(باکرگی ممنوع)

.....



هم اکنون ، میلیون ها زن در کشورهای زن ستیز از باکرگی خود رنج می کشند ، سردی عاطفی و کمبود های جنسی را با بیزاری تحمل می کنند | ما یکبار بیشتر زندگی نمی کنیم و چه رنج آور است اگر زندگی خود را در محرومیت از نیازهای طبیعی خود بسر بریم . محرومیت جنسی یک شکنجه و سرکوب به شمار می آید و این وظیفه تمام انسان هاست که از این شکنجه و آزار با جدیت جلوگیری کنند . بی تفاوتی نسبت به این موضوع ، یعنی شریک جرم بودن با زن ستیزان است . هر فرد می تواند در جامعه مجازی و جامعه واقعی برای برون رفت از این مهم ، تاثیر گذار باشد . (باکرگی ممنوع)

.....

آیا می دانستید بزرگترین ترس و وحشت ادیان و مذاهب از زن است . زیرا زن قدرت و نفوذ آنها را از بین می برد و با جذابیت ذاتی که دارد همه جا را می تواند فتح کند و قدرت را در دست بگیرد .

آیا می دانستید زنان بزرگترین رقیب برای انواع مبلغان مذهبی (کشیش ، آخوند ، خاخام و ....) بر سر قدرت هستند

آیا می دانستید زنان بزرگترین رقیب ( ادیان و خدا ) هستند .

آیا می دانستید بین آزادی و دین ، این آزادی است که برنده می شود .  
(باکرگی ممنوع)

.....

پشت دیوار باکرگی, دختری با روان و تن بیمار منتظر مردان ابله است

.....

پرده ایست نازک، به ضخامت یک دنیا!  
دنیایی که مردان، برای رسیدن به آن،  
از دریدن تمامی پرده های انسانیت ابایی ندارند!  
و شگفتا!!!  
...که این دنیا...  
توسط جامعه ای خلق میشود،  
که "بکارت ذهنش" را عقاید وحشیانه همین مردان، دریده است!

.....

هیچوقت مال خودت نبودی!  
تن تو مال تو نیست میدانی!!!  
ترا، خانواده ات، پدرت، مادرت  
دینت، جامعه ات، خویشانت  
می فروشند،  
با بهایی که تفو بر او باد  
چنان کالایی در بست به شوهرت می دهند  
نگاهبانان باکرگی  
از زندانی به زندان دیگر  
فقط زندانبانت تغییر می کند،  
نمی خواهند که تو، تو باشی  
زن باشی  
مثل یک کادو،  
هدیه ای به مرد بودی  
هیچوقت مال خودت نبودی  
(باکرگی ممنوع)

.....

باکرگی مال دیروز است و من زن امروز

آنها در روز روشن گم کردم و مردی در شب تاریک آنها جست و نیافت

من آنها از پشت پنجره به خورشید تقدیم کردم

تا مرگ آنها با هم جشن بگیریم و من متولد شدم، زن، زن امروز

من در حماسه زن بودن می تازم

این شعر نیست ، غزل نیست

حکایت حماسه زن در تقابل با سنت است

.....

هنگامی که احساس کردید مظلوم هستید و آنها به حساب خوبی خود و گذشت گذاشتید ، بدانید که اشتباه می کنید . در حالت کلی مردم از فرد ضعیف و مظلوم خوششان نمی آید و به او به چشم یک قربانی نگاه می کنند (متأسفانه) . همیشه کوشش کنید قدرتمند باشید و از حقوق خود نگذرید و بخشش نکنید . مظلوم همیشه پایمال شده است و حق همیشه برای قوی تر بوده است . نکته : هدف از این نوشتار رواج زورگویی نیست ، فقط هدف اینست که مظلوم نباشیم .  
(باکرگی ممنوع)

## ما زنان برای پس گیری حقوق برابر با مردان چکار باید انجام دهیم؟

ما زنان برای رسیدن به قوانین برابر که حق پایمال شده ما است باید آماده سازی های فکری انجام دهیم تا در چند سال آینده به این مهم برسیم . قبل از هر چیز باید افکار عمومی و جامعه را برای پذیرش این حقوق آماده کنیم . زنانی که قصد ازدواج دارند نباید مهریه و نفقه ( خرجی که شوهر به زن می دهد ) را بپذیرند زیرا با پذیرفتن این دو ، خود را در مالکیت مرد قرار می دهند . مهریه توهینی به زن است ، زنان امروزه در جامعه کار می کنند و سهم بزرگی از بازار کار را در دست دارند . زن در محیط کار آرامش بخش است و به همین دلیل در همه جا اولویت استخدام برای زنان است . برابری خواهی پیش شرط ها و باید هایی دارد . اگر زنان بخواهند با مردان دارای حقوق انسانی برابر باشند نباید از مردان مهریه بخواهند ، نباید انتظار داشته باشند همه خرج زندگی را مردان بدوش بگیرند ، بلکه یک زوج و یا دو جنس مخالف که بدون ازدواج در حال زندگی هستند ، هر دو باید کوشش کنند و کار کنند ، گرچه در دوران بارداری این وظیفه مرد است که زندگی را تامین کند و مثال هایی از این دست . اگر به این ترتیب باشد زنان می توانند حقوق پایمال شده خود را بازگردانند و از این رنج تاریخی رهایی یابند . این نوشتار را جدی بگیرید و شروع کنید ، زنان باید از حالت سنتی خارج شوند و خود را برای یک رویارویی واقعی آماده سازند . از رفتارهای خاله زنکه و سطح پایین دوری کنند ، همیشه واقع بین باشند ، کاری نکنند که انگ حماقت به آنها زده شود ، زرنگ و کاردان باشند ، بدنبال مذهب و خرافات نباشند ، از نظر جسمی خود را قوی کنند و ورزش انجام دهند ، از نظر فکری باید فکر خود را با منطق قدرتمند سازند ، در اینترنت و شبکه های مجازی حضور موثر و مفید داشته باشند ، ، ، ، زنان سنتی متاسفانه راهشان اشتباه بود و دیدیم که نتایج بسیار بدی برای نسل های بعدی خود بجا گذاشتند . زن امروز باید بخواد تا بشود ، باید مبارزه کند و آگاه باشد ، باید با منطق باشد . اگر زنی هم مهریه بخواد ، هم نفقه بخواد و هم آرزوی حقوق برابر داشته باشد ، این کار شدنی نیست . زن مستقل و آگاه و کوشا مردسالاری را به کناری می زند و سبب می شود تا مردان هیچ بهانه ای نداشته باشند تا بر او حکومت کنند . اگر اینچنین شود قوانین خواه ناخواه به نفع زن تغییر می کند . ما زنان نباید خود را موجودی ضعیف بپنداریم ، ما نباید اجازه دهیم که داستان ها و افسانه ها سرنوشت ما را رقم بزنند ، ما نباید از زن بودن خود احساس گناه و شرم داشته باشیم ، ما زنان نباید از عضو جنسی خود شرم داشته باشیم ، ما زنان نباید نیاز های جنسی خود را سرکوب کنیم ، ما زنان نباید بعد از بلوغ باکره باشیم ، ما زنان نباید در یادگیری و فنون کوتاهی کنیم و سرانجام اینکه پیروز خواهیم شد . (باکرگی ممنوع)

# راه شناسایی مردانی که انسان نیستند



1- مردی که دست روی زن بلند کند ، انسان نیست چون زنان یاد گرفته اند که نجیب باشند و سکوت زنان را به حساب ضعف آنان می گذارند .

2- مردی که باکرگی را وسیله ای برای مالکیت خود قرار دهد ، انسان نیست چون باکره نبودن حق زنان است .

3- مردی که قبل از ازدواج در پیش زنان مانند موش است و بعد از ازدواج با استفاده از مهربانی زن و قوانین مرد سالار ، خود را شیری می داند ، اینچنین مردی انسان نیست و فریب او را نخورید و اگر زمانی مجبور به ازدواج بودید حتما حق طلاق ( بی چون و چرا ) را در عقد نامه خود وارد کنید .

4- مردانی که در خانواده های مذهبی بزرگ شده اند ، هیچگونه باوری به حقوق زن ندارند و افکار آنان مسموم است ، با چنین مردانی نه ارتباط داشته باشید و نه ازدواج کنید

5- مردانی که شعور ندارند و واکنش درستی نسبت به حقوق زنان نشان نمی دهند ، عامی بودن خود را نشان می دهند ، اینگونه افراد را می توان از رفتار آنها تشخیص داد ، رفتار و عمل آنها ، نتیجه ذهن و فکر آنهاست ، رفتارهای سطح پایین کوچه بازاری ، ادبیات چاله میدانی ، رفتارهای مرد سالارانه و قدیمی ، تعصبات و غیرت های بی معنی و نمایان مشخصات اینگونه مردان است ، از اینگونه افراد دوری کنید.

6- می توانید مردان را با روش های گوناگون آزمایش کنید ، مانند گفتن جمله هایی خاص ، رفتار هایی انجام دهید تا ببینید واکنش او درباره آن چیز چگونه است ، پرسیدن مستقیم و روشن بصورت کاملاً رک درباره موضوعی خاص ، با این روش ها می توان به هویت واقعی آنها پی برد .

# من کی هستم

از پیچ ازدواج ممنوع

من کی هستم؟!

من «دوشیزه مکرمه» هستم، وقتی زن ها روی سرم قند می سابند و همزمان قند توی دلم آب می شود.

من «مرحومه مغفوره» هستم، وقتی زیر یک سنگ سیاه گرانیت قشنگ خوابیده ام و احتمالاً هیچ خوابی نمی بینم

من «والده مکرمه» هستم، وقتی اعضای هیات مدیره شرکت پسر من برای خود شیرینی 20 آگهی تسلیم در 20 روزنامه

معتبر چاپ می کنند

من «همسری مهربان و مادری فداکار» هستم، وقتی شوهرم ...

برای اثبات وفاداری اش البته تا چهلم - آگهی وفات مرا در صفحه اول پرتیراژترین روزنامه شهر به چاپ می رساند

من «زوجه» هستم، وقتی شوهرم پس از چهار سال و دو ماه و سه روز به حکم قاضی دادگاه خانواده قبول می کند به من

و دختر شش ساله ام ماهیانه فقط بیست و پنج هزار تومان ، بدهد

من «سرپرست خانوار» هستم، وقتی شوهرم چهار سال پیش با کامیون قراضه اش از گردنه حیران رد نشد و برای

همیشه در ته دره خوابید.

من «خوشگله» هستم، وقتی پسرهای جوان محله زیر تیر چراغ برق وقت شان را بیهودهمی گذرانند.

من «مجید» هستم، وقتی در ایستگاه چراغ برق، اتوبوس خط واحد می ایستد و شوهرم مرا از پیاده رو مقابل صدا می

زند.

من «ضعیفه» هستم، وقتی ریش سفیدهای فامیل می خواهند از برادر بزرگم حق ارثم را بگیرند.

من «بی بی» هستم، وقتی تبدیل به یک شیء آرکائیک می شوم و نوه و نتیجه هایم تیک تیک از من عکس می گیرند.

من «مامی» هستم، وقتی دختر نوجوانم در جشن تولد دوستش دروغ پردازی می کند.

من «مادر» هستم، وقتی مورد شماتت همسرم قرار می گیرم چون آن روز به یک مهمانی زنانه رفته بودم و غذای بچه ها

را درست نکرده بودم.

من «زنیکه» هستم، وقتی مرد همسایه، تذکره مرا در خصوص درست گذاشتن ماشینش در پارکینگ می شنود.

من «مامانی» هستم، وقتی بچه هایم خرم می کنند تا خلاف هایشان را به پدرشان نگویم.

من «ننه» هستم، وقتی شلینته می پوشم و چارقدم را با سنجاق زیر گلویم محکم می کنم و نوه ام خجالت می کشد به

دوستانش بگوید من مادربزرگش هستم... به آنها می گوید من خدمتکار پیر مادرش هستم.

من «یک کدبانوی تمام عیار» هستم، وقتی شوهرم آروغ های بودار می زند و کمر بندش را روی شکم برآمده اش جابه

جا می کند.

من «بانو» هستم، وقتی از مرز پنجاه سالگی گذشته ام و هیچ مردی دلش نمی خواهد وقتش را با من تلف بکند.

من در ماه اول عروسی ام؛ «خانم کوچولو، عروسک، ملوسک، خانمی، عزیزم، عشق من، پیشی، قشنگم، عسلم، ویتامین

و.....» هستم.

من در فریادهای شبانه شوهرم، وق دیر به خانه می آید، چند تار موی زنانه روی یقه کتش است و دهانش بوی سگ

مرده می دهد، «سلیطه» هستم.

من در محاوره ی دیرپای این کهن بوم ؛ «دلیله محتاله، نفس محيله مكاره، مار، ابليس، شجره مثمره، اثيری، لكاته و...» هستم.

دامادم به من «وروره جادو» می گوید.

حاج آقا مرا «والده» آقا مصطفی صدا می زند..

من «مادر فولادزره» هستم، وقتی بر سر حقوقم با این و آن می جنگم.

مادرم مرا به خان روستا «کنیز» شما معرفی می کند..

واقعا من کیستم؟

## جامعه، شخصیت، زن

شخصیت افراد از کودکی شکل می گیرد و پایه ای ترین سازنده شخصیت ، اجتماع است ، این جامعه فرانسوی است که یک فرد فرانسوی می سازد و این جامعه ایرانی است که فرد ایرانی می سازد . از لحظه تولدت که نخستین صداها را می شنوی و تصاویر را میبینی شخصیت و مفاهیم در حال ساخته شدن هستند . در جامعه ایرانی از زمانی که متولد می شوی در بیخ گوش تو اذان می گویند ، دین است و داستان و خودآزاری ، و آنچه می آموزی و می بینی محدودیت است و بس ، اگر زن باشی تو را نمادی از ننگ و شرم می دانند تا زمانی که تو را به شوهر بسپارند . از همان کودکی تو را از هر گونه ارتباط با پسران محروم می کنند و حرکات و زندگی تو در کل خط قرمزی پی در پی است . تو دشمن مردان می شوی و مردان دشمن تو . مدام از پاکی و عفت برایت می گویند که همان زن بودن توست و بردگیت را با پاکی و حیا توجیه می کنند ، این بی خردان از تو می خواهند تا کودکان تو هم بهمین شیوه ادامه دهند تا بردگی زنان پایدار شود ، چرا که اینان بیمارند و خود آزار . از تو می خواهند که تا زمان ازدواج از داشتن سکس پرهیز کنی و بکارت خود را از دست ندهی ، برایشان مهم نیست که تو که هستی ، مهم نیست که تو نیاز داری ، مهم نیست که تو یک انسانی و حق داری ، مهم نیست که تو چه رنج ها خواهی کشید ، فقط مهم اینست که تو باکره باشی و تو را چون جنسی کادو شده و دست نخورده به مردی برسانند که هیچ کدام از این محدودیت ها را نداشته است . و این پایان کار نیست و این پایان رنج نیست ، بلکه تازه ابتدای شکنجه و کابوس است ، ابتدای حکومت مردیست که تمام وجود تو را می خواهد باز در مالکیت بگیرد و روز تو را به شب تبدیل کند ، چرا ؟ چون خود او نیز در همین جامعه پرورش یافته و قدرت هم لذت بخش و نا تمام است . حال با این ترتیب آیا تو یک بازیچه بی اختیار نیستی ؟ چه کسی جز تو می تواند حق خود را بگیرد ؟

دشمنان حقوق زن چند چیزند که باید آنها را بشناسی :

1- مردسالاری

2- ادیان

3- نادانی و نبود آگاهی از حقوق زن

4- ضعف و سستی ، مبارزه نکردن ( جسم و فکر خود را قوی کنید )

(باکرگی ممنوع)

# سهراب سپهری و زنان



## سهراب و زنان

سهراب سپهری را می توان پدیده ای ناب نامید که در صد سال اخیر تاریخ ایران بی مانند است.

او را فیلسوف قرن، آزادی خواه، روشنفکر، شاعر آب و آینه نامیده اند.

یک انسان بی نقاب که بی پروا و آزاد، به زیباترین و ژرف ترین شکل ممکن و با سبک شگفت انگیز خود سخن رانده است.

زن در اشعار نو سهراب رنگ و بوی خاصی دارد که در آثار دیگر بزرگان کمتر می توان چنین دیدگاهی را مشاهده کرد.

سهراب براحتی اب خوردن، تابو ها را می شکند و واقعیات را با واژه های سحر انگیز خود بیان می کند.

سهراب از اینکه از نسل یک فاحشه باشد، ننگ و ابایی ندارد و از تفکرات سطحی عبور می کند.

در زیر نمونه هایی از اشعار سهراب که توجه ویژه ای به زنان دارد را می آوریم:

زن زیبایی آمد لب رود.

آب را گل نکنیم!

روی زیبا دو برابر شده است (صدای پای آب)

نسبم شاید



به زنی فاحشه در شهر بخارا برسد (مسافر)

من به اندازه‌ی یک ابر دلم می‌گیرد  
وقتی از پنجره می‌بینم حوری  
- دختر بالغ همسایه-  
پای کمیاب‌ترین نارون روی زمین  
فقه می‌خواند (ندای آغاز)

پرده را برداریم :  
بگذاریم که احساس هوایی بخورد.  
بگذاریم بلوغ ، زیر هر بوته که می‌خواهد بی‌نوته کند.  
بگذاریم غریزه پی بازی برود.  
کفش‌ها را بکند، و به دنبال فصول از سر گل‌ها بپرد.

من به دیدار کسی رفتم در آن سر عشق  
رفتم، رفتم تا زن  
تا چراغ لذت  
تا سکوت خواهش (صدای پای آب)

من از کنار تغزل عبور می‌کردم  
و موسم برکت بود  
و زیر پای من ارقام شن لگد می‌شد.  
زنی شنید  
کنار پنجره آمد، نگاه کرد به فصل.  
در ابتدای خودش بود  
و دست بدوی او شبنم دقایق را  
به نرمی از تن احساس مرگ برمی‌چید (مسافر)

بند رختی پیدا بود : سینه بندی بی تاب (صدای پای آب)

مرد آن شهر اساطیر نداشت  
زن آن شهر به سرشاری یک خوشه‌ی انگور نبود  
هیچ آئینه تالاری سر خوشی‌ها را تکرار نکرد  
چاله آبی حتی مشعلی را ننمود  
دور باید شد دور (خانه دوست کجاست)

زن دم درگاه بود  
با بدنی از همیشه (نزدیک دورها)

من در ایوانم، رعنا سر حوض.  
رخت می‌شوید رعنا.  
برگ‌ها می‌ریزد.  
مادرم صبحی می‌گفت:  
موسم دلگیری‌ست.  
من به او گفتم:  
زندگانی سیبی‌ست.  
گاز باید زد با پوست.  
زن همسایه در پنجره‌اش  
تور می‌بافد، می‌خواند.  
من "ودا" می‌خوانم، گاهی نیز  
طرح می‌ریزم سنگی، مرغی، ابری

من اناری را می‌کنم دانه، به دل می‌گویم:  
خوب بود این مردم  
دانه‌های دلشان پیدا بود!  
می‌پرد در چشمم آب انار.  
اشک می‌ریزم.  
مادرم می‌خندد.  
رعنا هم.

در باز شد  
و او با فانوسش به درون وزید.  
زیبایی رها شده‌ای بود  
و من دیده به راهش بودم.  
عطری در چشمم زمزمه کرد.  
رگ‌هایم از تپش افتاد.

صدا کن مرا  
صدای تو خوب است  
صدای تو سبزینه‌ی آن گیاه عجیبی ست  
که در انتهای صمیمیت حزن می‌روید  
بیا ذوب کن در کف دست من جرم نورانی عشق را  
و من در طلوع گل یاسی از پشت انگشتهای تو بیدار خواهم شد  
و آنوقت من مثل ایمانی از تابش استوا گرم  
تو را در سراغاز یک باغ خواهم نشانید (به باغ همسفران)

من زنی را دیدم  
نور در هاون می‌کوبید.  
ظهر در سفره‌ی آنان نان بود  
سبزی بود  
دوری شب‌نم بود  
کاسه‌ی داغ محبت بود

"شاسوسا"، شبیه تاریک من  
به آفتاب آلوده‌ام  
تاریکم کن، تاریک تاریک، شب اندامت را در من ریز.  
دستم را ببین. راه زندگی‌ام در تو خاموش می‌شود.  
راهی در تهی، سفری به تاریکی (شاسوسا)

---

## چرا بردگان شورش نمی‌کنند؟



چرا بردگان شورش نمی‌کنند؟

زیرا مغز آنها در زنجیر بردگی گرفتار است، باور کرده اند که برده اند. اعتماد به نفس و قدرت مالکیت خود را از دست داده و تصمیم‌گیری خود را به مالکین خود سپرده اند. بردگی مدرن دیگر زنجیر و شلاق و زور نیست، فقط کفایت باور تو را اسیر کنند، کفایت کاری کنند که تو خود را برده بدانی و ملتسانه در جستجوی مالک و اربابی برای خود باشی، یکی از بردگی‌های زنان همین باکرگی است، با نام پاکی با نام عفت، ترا به چنان بردگی می‌کشاند که تمام انسانیت، هویت و زنانگیت را دربند می‌کند. شکستن بکارت، مرز ورود تو به دنیای مالکیت تن خود و خروج از بردگی است. (باکرگی ممنوع)

# تنوع طلبی جنسی چیست؟



## تنوع طلبی جنسی چیست؟

### دلایل تنوع طلبی جنسی چیست؟

### آیا تنوع طلبی جنسی همان خیانت است؟

### آیا تنوع طلبی جنسی را می توان کنترل کرد؟

این پرسش ها، پرسش هایی همیشگی بوده و ذهن بسیاری را مشغول کرده است، پاسخ هایی هم که داده شده یا کامل نبوده و یا فقط به نفع مردان بوده است. کوشش می کنیم که پاسخی خردمندانه و واقع گرایانه به این پرسش دهیم. کوتاه، کامل، روشن و شفاف.

## تنوع طلبی جنسی چیست؟

تنوع طلبی جنسی این است که فردی، چه زن و یا مرد، خواهان ارتباط جنسی با افراد گوناگون (جنس مخالف) باشد و یا چندین شریک جنسی داشته باشد.

### دلایل تنوع طلبی جنسی چیست؟

به زبان ساده و بدور از هر گونه پیچیدگی می توان گفت که انسان ها ذاتا آزادی خواه هستند و از محدودیت ها گریزان، انسان ها از روزمرگی و عادی شدن گریزانند و به همین دلیل در جستجوی تنوع و فانتزی هستند. این تنوع طلبی انسان ها در همه چیز مشاهده می شود مانند تنوع در لباس در غذا در محیط در تفریح در سفر و دیگر موارد. از نظر بیولوژیکی اگر تنوع طلبی نباشد، افراد به چیز خاصی آلرژی و حساسیت پیدا می کنند و بیمار می شوند. انسان ها از تمامیت خواهی و دیکتاتوری جنسی و اینکه دیگران مالک آنها باشند گریزانند، تمایل به ارتباط با انسان های دیگر دارند. انسان ها حق دارند که دیگران را دوست داشته باشند و با رضایت آنها، نیازهای عاطفی و جنسی خود را با رابطه سکسی سالم برآورده کنند.

آیا شما می توانید یک هفته پشت سر هم یک نوع غذا بخورید؟

آیا شما می توانید برای مدت یک سال فقط یک نوع لباس بپوشید؟

آیا شما می توانید سفر نروید و تمام عمر در شهر و یا روستای خود باشید؟

آیا شما می توانید فقط یک نوع تفریح داشته باشید؟

پاسخ مشخص است، خیر هیچکس نمی تواند این کارها را انجام دهد. هیچکس نمی تواند حتی یک هفته برای صبحانه و ناهار و شام یک نوع غذا بخورد حتی اگر بهترین غذا باشد. هیچکس نمی تواند برای یک سال یک نوع لباس بپوشد و سفر نرود و فقط یک نوع سرگرمی داشته باشد، چرا که بزودی آن کار و یا چیز برای او عادی می شود و شخص دچار دلزدگی می گردد.

پس چطور می توان انتظار داشت که یک فرد در زندگی خود تنوع طلبی سکسی نداشته باشد؟ چطور می توان انتظار داشت که یک انسان در تمام عمر خود فقط با یک نفر ارتباط جنسی داشته باشد؟

یکی دیگر از دلایل تنوع جنسی، همسرانی هستند که از انجام سکس با هم لذت نمی برند، در ایران خودمان می بینیم که آموزش های لازم برای سکس وجود ندارد و همانطور که می دانید، سکس امروزه یک دانش محسوب می شود که به آن سکسولوژی گفته می شود.

## آیا تنوع طلبی جنسی همان خیانت است؟

تنوع طلبی جنسی یک روند طبیعی برای تحمل زندگی است و این اشتباه ما انسان هاست که به آن خیانت می گوئیم. در حقیقت هر زن و یا مرد برای تحمل مشکلات و سختی ها و همچنین رفع نیازهای جنسی و عاطفی خود، روی به تنوع طلبی سکسی می آورد و اینکار از سوی شریک جنسی آنها خیانت تلقی می شود. در بعضی از کشور های پیشرفته زن و شوهر بعد از ازدواج به روزمرگی می رسند و آن شوق و شور اولیه را ندارند، همه چیز یکنواخت و خسته کنند می شود، نیاز به فردی غیر از همسر خود پیدا می کنند، اینجاست که باز هم تنوع طلبی شکل می گیرد یعنی مرد و زن برای اینکه از هم جدا نشوند و طلاق نگیرند و همچنین بتوانند فرزندان خود را بزرگ کنند و به زندگی ادامه دهند راهکار جدیدی می سازند و هر کدام از اینها یک دوست جدید برای خود پیدا می کند. مرد خانواده یک دوست دختر جدید پیدا می کند و زن خانواده یک دوست پسر جدید. اینها واقعیات است و ما نباید با واقعیت رودربایستی داشته باشیم و تعصب و خودسانسوری راه حل اینکار نیست.

## آیا تنوع طلبی جنسی را می توان کنترل کرد؟

طبق دلایل گفته شده اگر واقع بین باشیم و هدف ما یافتن حقیقت این موضوع باشد، بدون تعصب باید گفت که اینکار تقریباً نشدنی است و هیچ راه حلی جز تنوع طلبی ندارد. حتی اگر همسرانی را هم دیده باشیم که به سنین پیری رسیده اند و تنوع طلبی نداشته اند، می توان گفت که آنها بر خلاف میل طبیعی خود عمل کرده اند و زندگی را با روزمرگی و یا شاید عقده های پنهان شده گذرانده اند. تنوع طلبی جنسی ذهن انسان ها را مشغول خود کرده است و ممکن است که با تغییراتی تا حدی بتوان آنرا کاهش داد ولی راه حل آن تنها تنوع طلبی است. کسانی که این استدلال را قبول ندارند، فقط کافیسیت به ذهن خود نگاه کنند تا تنوع طلبی های بیشمار جنسی را در خود ببینند، فقط کافیسیت به جامعه نگاه کنید، به دور و بر خود، به آمار زوج هایی که هر کدام و یا یکی از آنها تنوع طلبی کرده است. در ایران زوج بالای 60 سال تنوع طلبی می کند. خود فریبی نه تنها کمکی به ما نمی کند، بلکه پنهان کاری ها را بیشتر و بیشتر می کند.

# شعر بکارت از هادی خرسندی

الا ای شیخ جویای بکارت  
به لای پای دخترها چه کارت؟

تو فرمودی بکارت ها که پاره-ست  
دقیقاً در صدش هفتاد و چارست

اگر حدس و اگر آن را شنفتی  
چرا زان بیست و شش درصد نگفتی؟

نگفتی بیست و شش درصد بکارت  
نشان باشد ز انواع اسارت

گروهی باکره، از سکس دورند  
کزین بابت گرفتار غرورند

به خود چسبانده بر چسب نجابت  
نکرده تیر بر آنها اصابت

هماره صورتی پر جوش دارند  
روانی خسته و خاموش دارند

گروهی ترس خورده، صاف و ساده  
اسیر انجماد خانواده

برادر غیرتی! و آبرودار!  
پدر هم محترم! در کوچه بازار

گروهی پای بند دین و مذهب  
به شدت باکره ، اما معذب!

چنان ترسند از اعماق دوزخ  
که سکس و کامجویی پیششان آخ  
\*\*\*

شما که دختری را سن نه سال  
به شوهر میدهی راضی و خوشحال

چرا خواهی اگر شوهر نکرده  
شود چل ساله ، سالم مانده پرده؟

بیا و دست بردار از حقارت  
نچسب ای شیخ نادان بر بکارت  
بکارت مال دوران های دور است  
به زن های جوان تحمیل زور است

بکارت نیست معیار نجابت  
نجابت را چه بشناسد جنابت!

نجابت، شیخ نادان، پرده ای نیست  
به اینکه داده ای یا کرده ای نیست

نجابت چیست؟ حق کس نخوردن  
بکارت چیست؟ مال کس نبردن

نه بین مردمان اخلاق و عصمت  
به میزان بکارت گشته قسمت

فریب مردمان، ضد عفاف است  
نه آن کاری که در زیر لحاف است

که هر آمیزشی قبل از عروسی  
بود یک مطلب خیلی خصوصی

مبر سر را درون بستر خلق  
که بینی گوزشان را تا ته حلق

خودت شام زفاف ای شیخ بد ذات  
بکارت داشتی ارواح بابات؟

(کنار حجت الاسلام فاکر  
چگونه میتوانی بود باکر؟!)

برای تو کسی پرونده هم ساخت  
و یا بر پشت و پیشت کنتور انداخت؟

(در کون شما کنتور اگر بود  
سر یک هفته کنتور هم دمر بود

اگر یک روز باشی توی حوزه  
بواسیر تو میچسبد به لوزه)

تو هم حالا به این حد از جسارت

ز دخترها طلب داری بکارت؟

چه میفهمی تو قانون طبیعت  
که میآئی ز مادون طبیعت

چه دخترهای نوزادی که گه گاه  
ندارند این بکارت را به همراه!

امام جمعه آ! بر خویش رحمی  
بکن کاری که یک قدری بفهمی!

بدن ها فرق دارد با بدن ها  
خصوصاً مال دخترها و زن ها

همه یک شکل و جور و قالبی نیست  
نمی فهمی؟ زن است این، طالبی نیست

یکی را پرده باشد نازک و تُرد  
شود زائل اگر یک ضربه ای خورد

یکی را پرده کشدار و غشائی است  
مثال شخص آقا ارتجاعی است

که تا وقتی که آن بانو نزاید  
از آن یک قطره هم خون در نیاید

یکی هنگام ورزش داده از دست  
یکی تا آخرش همراه او هست

تو آمار از کجا کردی فراهم  
بیا یکخرده آگه کن مرا هم

من اینها را که گفتم مستند بود  
قوانین ازل بود و ابد بود

ندارد حرف من ردخور ز قرصی  
ولی تو باید از دکتر بپرسی

که او بی پرده‌تر از پرده گوید  
برایت واضح و گسترده گوید

\*\*\*



امام جمعه‌آ، یک چیز دیگر  
نمیدانی، نمیفهمی، مکرر!

نمیدانی کلک هم میتوان زد  
دولک را بر الک هم میتوان زد

طرف گر حفظ کرده پرده‌اش را  
بسا که خرد کرده نرده‌اش را

ز بیزینس هم اینجا غافل‌ی تو  
که نا آگه ز حل مشکلی تو

اگر شد پرده ای هرگونه پاره  
تجارت، کرده پیدا راه چاره

بدوزد پرده را نرس و پرستار  
"خدایا زین معما پرده بردار"

اگر داری دلارش یا ریالش  
بزن آن را بخیّه، بی خیالش!

\*\*\*

ولی آقا پسر یا شاه داماد!  
نموده باغ‌ها را قبلاً آباد

چه حالی کرده با زن‌های بیوه  
به هر باغی که رفته خورده میوه

تنی اینسوی و آنسو تاب داده  
"مزارع" را یکایک آب داده

بسا با دختران نزدیک گشته  
روابط مثل نخ باریک گشته

پس از کلی که لذت‌ها چشیده  
کنون آقا پسر بیرون کشیده!

بیفتاده به فکر خانواده  
زنی خواهد نجیب و صاف و ساده

یکی دختر که چشم و گوش بسته‌ست  
ندیده مرد در کنجی نشسته‌ست

نرفته باشد از خانه به بیرون  
ندیده باشد او را مهر گردون

لبش از طعم بوسه بی خبر باد  
تنش از هرچه لذت بر حذر باد

به عزلت بوده عمری کنج خانه  
شمرده سال ها را دانه دانه

که این آقا بیاید بهر غارت  
که بردارد از او مهر بکارت!

\*\*\*

ز صیغه بگذریم و صیغه‌بازی  
که مذهب راضی و دلالت راضی

اگر مردک بکارت داشت صد بار  
ازاله کرده بود آن را به تکرار

\*\*\*

امام جمعه آ! قدری حیا کن  
دکانی دیگری این جمعه وا کن

نگو از آنچه سررشته نداری  
نرو دنبال نطق ابتکاری

مناسبتر بکن دائر دکان را  
که بشناسی همه اجناس آن را

فورا گزامپل دکان بول و غایط  
بگو آنقدر تا جانت درآید

**این کتاب را به دوستان خود معرفی کنید و اشتراک بگذارید**